



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۲

بازبینی مفاهیم محیط زیستی قانون اساسی ایران و فرانسه

محمد جواد حسینی

کارشناس ارشد حقوق عمومی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

کارشناس ارشد حقوق دادرسی اداری، دانشگاه پیام نور واحد ری

hosseini.publiclaw69@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹

چکیده:

حقوق بشر خردواژه ای است که راه خود را از اسناد بین المللی به قوانین داخلی کشورها به ویژه قوانین اساسی باز نموده است و امروزه تمامی قوانین اساسی در کنار هنجارمندی قدرت ناب سیاسی، موازین حقوق بشری بسیاری را در خود گنجانده اند چه در غالب حقوق نسل اول (حقوق مدنی و سیاسی) و چه در غالب حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) اما در کنار این دو اخیراً حقوق نسل سوم (حقوق همبستگی) نیز در متن قوانین اساسی بسیاری از کشورها رخ نمایانده است که یکی از مصادیق بارز آن حق بر محیط زیست است. حقی که جز حقوق بنیادین و زمینه ساز بروز و تجلی سایر حقوق انبای انسانی است و در بسیاری از قوانین اساسی به شیوه های گوناگونی بیان شده است. در این مقال برآنیم تا مفاهیم و بن مایه های محیط زیستی مندرج در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری پنجم فرانسه را مورد مذاقه بیشتر قرار دهیم تا نظاره گر بینش قانون گذاران اساسی این دو نظام حقوقی پیرامون محیط زیست، حق بر محیط زیست و عناصر مرتبط با آن ها باشیم.

کلید واژه ها: قانون اساسی، حق بر محیط زیست، توسعه پایدار

ژورنال مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- درآمد:

با گسترش جوامع و پیشرفته تر شدن آن‌ها و پیدایی تکنولوژی و تجهیزات مدرن صنعتی رابطه بین انسان و طبیعت دچار دگردیسی‌های عمیقی شده است که به موازات گسترش استفاده از این علوم نوین تاثیرگذاری بر محیط پیرامونی دوچندان گردیده است و تغییرات چشم گیر به وجود آمده در طبیعت سبب تخریب و ویرانی آن شده است. از این منظر تلاش و تکاپو برای کمتر شدن این تخریب‌ها و حفاظت و نگه داری هرچه بیشتر از طبیعت اساس رویکردهای نوین جوامع در مواجهه با محیط زیست گردید. دانش حقوق پا به عرصه عمل گذاشت و به هنجارمندی کنش‌های انسانی با طبیعت پرداخت. حقوق محیط زیست در عرصه بین الملل و عرصه داخلی پدیدار گشت و قواعد و موازینی را برای این رابطه تعریف کرد و نسل سوم حقوق بشر یعنی حقوق همبستگی یا حقوق برادری به موازات توجه بیشتر به حقوق انسانی امروزه گستره بسیار وسیعی پذیرفته است به ویژه یکی از مباحث مهم و کلیدی آن یعنی حقوق محیط زیست. انگاره‌های حقوق محیط زیست به تدریج علاوه بر اسناد بین المللی به حقوق داخلی نیز راه پیدا کرد. قوانین اساسی حاوی اصول زیست محیطی گردیدند و حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی موجود در یک پهنه جغرافیایی را عهده دار شدند به طوری که امروزه تقریباً تمامی قوانین اساسی حاوی اصولی محیط زیستی هستند. در واقع قوانین اساسی که به عنوان ضمیر انعکاسی تمام قوانین در یک دولت-کشور شناخته می‌شوند سهم بزرگی در ایجاد نظام ضمانت و حفاظت از محیط زیست عهده دار گشته‌اند و تقریباً امروزه تمامی قوانین اساسی در دل خود اشاره‌ای به محیط زیست و حفاظت و نگه داری از آن نموده‌اند (شیلتون، کیس، ۱۳۹۶، ۴۶) و «اصول مزبور اگرچه دارای عباراتی کم و بیش متفاوتی هستند ولی نقطه مشترک همگی بر بهره‌مندی از محیط زیست سالم، بهداشتی و پاک به عنوان حقی اساسی برای بشر تلقی یافته است.» (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۵۵)

این تفاوت رویکرد در رابطه با محیط زیست در قوانین اساسی را می‌توان در چند دسته جای داد. دسته‌ای از قوانین اساسی حق بر محیط زیست را به عنوان یک حق بشری و در زمره حقوق بنیادین در فصول مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندی آورده‌اند مانند متن قوانین اساسی بلژیک، کلمبیا، کنیا، نروژ و نیجر. (رویکرد حق محورانه) اما دسته‌ای دیگر از قوانین اساسی تنها وظیفه و تکلیفی بر عهده دولت‌ها در حفظ و نگه داری از منابع طبیعی و محیط زیست گذارده‌اند، مانند قانون اساسی تایلند، تاجیکستان، یونان، سوئیس و افغانستان. (رویکرد تکلیف محورانه) دسته دیگری از قوانین اساسی رویکردی مختلط را در پیش گرفته‌اند، یعنی هم حق بر محیط زیست را برای شهروندان شناسایی و تضمین نموده‌اند و هم تکالیفی بر عهده حکومت و دولت برای نگه داری و پایداری محیط زیست گذارده‌اند. مانند متن قوانین اساسی کشورهای گرجستان، عراق، ترکیه، اسپانیا، روسیه، کرواسی و کره جنوبی. (رویکرد مختلط حق و تکلیف محورانه) اما در این میان قوانین اساسی وجود دارند که در مورد محیط زیست سکوت اختیار کرده‌اند آن‌هم به دلیل تازگی مباحث مربوط به محیط زیست از یک سو و تصویب قوانین اساسی در سال‌های بسیار دور و عدم بازنگری در آنها از سوی دیگر، اما به دلیل سکوت قوانین اساسی نمی‌توان نسبت به محیط زیست بی تفاوت بود. در اینجا سایر قوانین مانند قوانین ارگانیک، قوانین داخلی و آیین‌نامه و تصویب‌نامه‌های دولتی غالباً برای پر کردن جایگاه تهی قانون اساسی در رابطه با محیط

زیست پا به میدان می گذارند اما در کنار آنها می توان نقش و اهمیت تفسیر قانون اساسی را یادآور شد. امروزه تفسیر سایر اصول قانون اساسی در سیاقی زیست محیطی مورد توجه بسیاری از ارگان ها و نهادهای مفسر قانون اساسی در نظام های حقوقی گوناگون قرار گرفته است و در رویه قضایی بسیاری از کشورها نمود یافته است. این مراجع به دلیل سکوت قانون اساسی در مورد محیط زیست و دامنه و محدوده وظایف و اختیارات دولت، دست به ابتکار زده و سایر اصول قانون اساسی را به گونه ای تفسیر می نمایند که نه تنها مخالف نص صریح قانون اساسی نباشد بلکه مکمل خلا قانون اساسی نیز شود. (رویکرد تفسیرگرایانه)

برای نمونه در کشور هندوستان و در قانون اساسی این کشور در مورد حق بر محیط زیست سخنی به میان نیامده است اما دادگاه های هندوستان در مقام تفسیر قانون اساسی و اصل ۲۱ این قانون در رابطه با حق حیات^۱، داشتن محیط زیست مناسب برای زندگی اتباع را جز حق حیات دانسته و با تفسیر موسعی که از کلمه حق حیات داشته، این حق را شامل حق بر محیط زیست سالم نیز دانسته اند و این طور تلقی نموده که داشتن محیط زیست مناسب و سالم جز حق های حیاتی شهروندان است «چرا که حق به محیط زیست منعکس کننده ارزش های متعالی و پایه ای همانند حق حیات، حق به سلامتی و حق به زندگی با استاندارد می باشد.» (مولایی، ۱۳۸۶، ۲۷۵) بنابراین در نظام حقوقی هندوستان تفسیر متن قانون اساسی و رویه های قضایی نقش مهمی در تحقق و حمایت از محیط زیست داشته است. به تعبیر بهتر «در جایی که حق بر محیط زیست سالم به صراحت مقرر نمی شود، دیگر حقوق اساسی، در سیاقی زیست محیطی توسط دادگاه ها تفسیر و اعمال می شوند.» (شیلتون، کیس، ۱۳۹۶، ۴۷)

اما در میان این رویکردها کشورهایی هستند که در متن قوانین اساسی خود دنباله رو این هیچ کدام از این رویکردها نبوده و رویکردی خاص و منحصر به خویش دارند. مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه که اساس تحقیق و تطبیق این مقاله تدقیق در متن قوانین اساسی این دو کشور پیرامون محیط زیست، حق بر محیط زیست و همچنین پیدایی عناصر زیست محیطی مندرج در این متون است.

۲- مفهوم حق بر محیط زیست در قانون اساسی ایران و فرانسه

قانون اساسی بنیادی ترین قانون در سلسله مراتب هنجاری هر نظام حقوقی است و ضمیر انعکاسی تمامی قوانین موجود در یک پهنه جغرافیایی. این قانون حاوی اصول کلی حاکم بر یک نظام سیاسی است و یک نظام سیاسی مدرن بر اساس قانون اساسی و راهنمایی های آن سلوک می نماید. قوانین اساسی در دل خود اصولی را جای داده اند که مربوط به قدرت و تقسیم و چگونگی به اجرا در آمدن آن می شوند اما این همه قانون اساسی نیست. در کنار این شکل دهی و سامان بخشی قدرت موجود در جامعه، قانون اساسی از حقوق ساکنان ساکن در یک پهنه جغرافیایی نیز حمایت می کند. به تعبیر بهتر اصول قانون اساسی در دو دسته کلی تقسیم بردار می گردند. دسته اول اصول حاکم بر تقسیم قدرت و چینش قوای مملکتی و دسته دوم حقوق و آزادی های عمومی و حق های بنیادین و بشری شهروندان.

۱ هیچ شخصی از حق حیات یا آزادی های شخصی اش محروم نمی گردد مگر بر اساس آیین دادرسی مقرر شده بر اساس قانون.

امروزه حقوق بشر و مفاهیم گوناگونی مانند آزادی، برابری و تساوی راه خود را به قوانین اساسی باز کرده اند و نه تنها حقوق نسل اول (حقوق مدنی و سیاسی) و حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) در قوانین اساسی مورد شناسایی و تضمین قرار گرفته اند بلکه حقوق نسل سوم (حقوق همبستگی) نیز در بسیاری از قوانین اساسی تجلی یافته است که این حقوق «عمدتاً پیرامون داشتن حق بر هوای پاکیزه و سالم، آب آشامیدنی سالم، خاک و منابع زمینی پاکیزه، محیطی آرام و حق بر مناظر طبیعی زیبا و سالم می باشد.» (محمدی، حسینی، ۱۳۹۶، ۱۴۱) حقوق همبستگی «که به نسل سوم حقوق بشر موسوم است شامل حق بر محیط زیست، حق بر توسعه، حق صلح و حق بر میراث مشترک بشریت است.» (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۴۷) اهمیت حمایت و حفاظت از محیط زیست و شناسایی این حق از آن روست که حق بر محیط زیست سالم زمینه ساز و بستر بهره مندی از سایر حقوق است و «داشتن محیط زیست سالم پیش شرط تمتع از بسیاری از مصادیق حقوق بشر می باشد.» (محمدی، حسینی، ۱۳۹۶، ۱۴۶) و «حق بر محیط زیست سالم الزاما برای حیات و استمرار نسل بشریت و رفاه و زندگی مناسب نسل حاضر شناسایی گردیده است.» (رمضانی قوام آبادی، شفیق فر، ۱۳۹۵، ۲۵۸)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی به مفاهیم زیست محیطی اشاره شده است از جمله در اصل چهارم و پنجم که عناصر محیط زیستی و چگونگی اداره آنان را مورد توجه قرار داده است^۱ و در اصل چهارم و هشتم نیز از مفهوم عدالت محیط زیستی سخن به میان آمده و قانون گذار اساسی این مفهوم را در نظر داشته که استفاده از منابع طبیعی و سرمایه های ملی باید برای همه مردم و بدون هیچ گونه تبعیضی باشد.^۲ اما مهمترین رویکرد قانون اساسی به محیط زیست و منابع طبیعی در اصل پنجاهم قانون اساسی نمود یافته است.^۳ در این اصل رویکردی ویژه توسط قانون گذار اساسی برای حفاظت از محیط زیست در نظر گرفته شده است به این توضیح که حق بر داشتن محیط زیست سالم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت بیان نشده است (مشهدی، ۱۳۹۳، ۵۷۷، ۵۶۲) بلکه از محیط زیست به عنوان محلی برای حیات اجتماعی رو به رشد یاد شده است. در واقع محیط زیست سالم از منظر قانون اساسی ایران زمینه ساز حیات اجتماعی مردمان این دیار و جز حقوق اجتماعی شهروندان است چرا که «حق بر محیط زیست سالم، از حقوق بنیادین بشر و مساله ای حیاتی در دنیای امروز است که حساسیت و توجه به آن، از رشد بی رویه صنایع و فعالیت های توسعه های کنترل نشده در جهان نشأت گرفته است.» (رمضانی قوام آبادی، شفیق فر، ۱۳۹۵، ۲۴۲)

در فرانسه نیز متن قانون اساسی جمهوری پنجم به محیط زیست و مسائل پیرامون آن نپرداخته است و این فقدان توجه به محیط زیست به عنوان عنصر اساسی حیات بشر، سبب گردید تا اصلاحیه ای به مقدمه این قانون اساسی علاوه گردد

^۱ انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آبهای عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نیزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می کند.

^۲ در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان ها و توزیع فعالیت های اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

^۳ در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریبی غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

تا خلا ناشی از عدم توجه به مسائل زیست محیطی را ببوشاند. این مهم با تصویب منشور اساسی محیط زیست و اصلاح قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۵ به وقوع پیوست. مطابق قانون اول مارس ۲۰۰۵ مقدمه قانون اساسی سال ۱۹۵۸ اصلاح گردید (مشهدی، هداوند، ۱۳۹۵، ۲۹۱) و علاوه بر پایبندی مردم فرانسه به حقوق بشر و حاکمیت ملی، پایبندی به محیط زیست و حقوق و تکالیف مطرح شده پیرامون آن به متن پیشین علاوه گردید. با تصویب این منشور و شناسایی اصول بسیاری پیرامون حق بر محیط زیست «این سند توجه نظام حقوقی را به خود جلب کرد که می توان آن را در رویه محاکم، سازمان های اداری و نهادهای قانون گذار یافت.» (مشهدی، ۱۳۹۳، ۵۶۵)

در مقدمه جدید قانون اساسی فرانسه می خوانیم که: مردم فرانسه رسماً دلبستگی خود را به حقوق بشر و اصول حاکمیت ملی، آن طوری که توسط اعلامیه ۱۷۸۹ تعریف، توسط مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶ تأیید و تکمیل شده و همچنین توسط حقوق و وظایفی که در منشور محیط زیست ۲۰۰۴ آمده است اعلام می دارد.

این تغییر سبب جلوه اساسی بخشیدن به منشور محیط زیست فرانسه شده است. در واقع «شناسایی شکلی حق بر محیط زیست به سال های آغازین هزاره سوم باز می گردد که با تصویب منشور اساسی محیط زیست در سال ۲۰۰۵ و اصلاحات ۲۰۰۸ میلادی در مجموعه هنجارهای فرانسه تبلور یافت.» (مشهدی، ۱۳۹۳، ۵۶۴) با تصویب این منشور و الحاق آن به قانون اساسی فرانسه حق بر محیط زیست به عنوان یکی از حقوق بنیادین به رسمیت شناخته شده است و «با تصویب منشور اساسی محیط زیست این حق به صراحت شناسایی شد و توانست بر نظام حقوقی فرانسه در زمینه بهره مندی شهروندان از محیط زیست سالم تاثیر شگرفی داشته باشد.» (مشهدی، ۱۳۹۳، ۵۷۷) با عطف توجه به این موارد در اصل اول این قانون داشتن حق بر محیط زیست سالم به رسمیت شناخته شده است.^۱ در اصل دوم حق بر حفاظت از این محیط را نیز به همه اعطا می نماید.^۲ در اصل سوم این منشور نیز حق بر پیش بینی مخاطرات زیست محیطی و توان کاهش اثرات سو موثر بر محیط زیست را به رسمیت شناخته است.^۳

۳- مفاهیم توسعه پایدار و حق توسعه در قانون اساسی ایران و فرانسه

توسعه که به معنای «بهره گیری از منابع به منظور ایجاد زیرساخت ها و شرایط مادی پیشرفت یک جامعه به ویژه از نظر دسترسی به علوم و فناوری و همچنین ایجاد ساختارهای اقتصادی و صنعتی است که فعالیت و دستاوردهای آن ها، نیازهای اساسی مردم در روند زندگی عادی را تامین می نماید» (رمضانی قوام آبادی، شفیق فر، ۱۳۹۵، ۲۴۳) در سیاقی زیست محیطی همراه با پایداری است و توسعه پایدار یکی از مباحث مرتبط با محیط زیست است و به این معنا است که نسل های کنونی باید به گونه ای از محیط زیست و منابع طبیعی استفاده نمایند که نسل های آینده نیز بتوانند از آن ها بهره مند شوند و استفاده نسل کنونی سبب از بین رفتن و در نتیجه باقی نماندن آن برای آیندگان نگردد. «در واقع اگر

^۱ هر شخص حق دارد در یک محیط متعادل و متوجه نسبت به سلامت زندگی کند.

^۲ هر شخصی حق دارد نقش خود را در حفظ و بهبود محیط زیست ایفا نماید.

^۳ هر شخصی باید در شرایط مقرر در قانون بتواند خللی که محتمل است به محیط زیست وارد شود را پیش بینی کرده و یا دست کم بتواند اثرات آنها را محدود نماید.

فرآیند توسعه به گونه ای از نظر موضوع توسعه، گستره توسعه، ابزارها و وسایل و منابع توسعه موجب اخلال در روند و جریان طبیعی زیست بوم نگردد، این توسعه را توسعه پایدار می نامند.» (حبیبی، ۱۳۸۲، ۱۵۹) که حاوی «حفاظت از حقوق نسل های آینده، اجرای حق توسعه با رعایت الزامات محیط زیستی و توجه به انصاف بین نسلی است.» (رمضانی قوام آبادی، شفیق فر، ۱۳۹۵، ۲۶۲) و این توسعه «ضرورت توجه به نیازهای نسل حاضر و احتیاجات نسل های آتی را به گونه ای توامان در نظر می گیرد و نمی توان تنها ضرورت توجه به نیازهای نسل آتی را توجیهی برای عدم توجه به خواسته های معقول و متناسب نسل حاضر دانست.» (شهبازی، ۱۳۸۹، ۱۲۷) در واقع توسعه پایدار دارای چند عنصر کلیدی است: اول: حق بر محیط زیست و امکان استفاده مردمان کنونی از منابع طبیعی و محیط زیست را به رسمیت می شناسد. دوم: حق بر توسعه و پیشرفت جوامع را نیز در نظر می گیرد و سوم: لزوم حفظ و نگه داری از منابع طبیعی و محیط زیست برای نسل های آینده را نیز مورد تاکید قرار می دهد و «در مفهوم دقیق توسعه باید به گونه ای باشد که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد بدون آنکه توانایی نسل های آینده در برآورده سازی نیازهایشان را به خطر اندازد. در این راستا توسعه ای مدنظر است که تضمین دهد استفاده از منابع و محیط زیست در زمان کنونی هیچ آسیبی به دورنمای استفاده نسل آینده وارد نمی سازد.» (رمضانی قوام آبادی، شفیق فر، ۱۳۹۵، ۲۴۴)

از منظری دیگر در توسعه پایدار تنها یک وجه از توسعه (توسعه اقتصادی) مدنظر قرار نمی گیرد بلکه ابعاد مختلف توسعه مانند توسعه اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی نیز مدنظر است و «برای فهم مفهوم توسعه باید توسعه در ابعاد گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از آن جمله توسعه زیست محیطی پایدار که عبارت است از جمع بین استفاده و بهره برداری از محیط زیست از یک سو و حفاظت و امکان پایداری آن از سوی دیگر.» (رئسی، ۱۳۸۷، ۱۱۹)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مفهوم توسعه پایدار و حق بر توسعه و لزوم حفظ و نگه داری از محیط زیست به رسمیت شناخته شده است. اصل پنجاهم قانون اساسی توامان حق بر توسعه و حق نسل های آینده در بهره برداری و بهره مندی از محیط زیست را به رسمیت شناخته است. در عبارت «نسل امروز و نسل های بعد» به خوبی مفهوم توسعه پایدار شناسایی شده است که تاکید بر لزوم استفاده هر دو نسل از محیط زیست مفهوم توسعه پایدار را متجلی نموده است. عبارت دیگر اصل پنجاهم قانون اساسی یعنی «حیات اجتماعی رو به رشد» را می توان مصداق حق بر توسعه که یکی از مصادیق دیگر حقوق همبستگی است دانست. لزوم زندگی و حیات توامان با پیشرفت و ترقی به خوبی مفهوم حق بر توسعه را به ذهن متبادر می نماید. لزوم حفظ محیط زیست و نگه داری از آن از ممنوع بودن هرگونه «فعالیت اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند» به خوبی نمایان است زیرا این گونه فعالیت ها سبب تخریب و نابودی محیط زیست و عدم پایداری آن برای نسل های آینده می گردد. پس این گونه فعالیت ها بر اساس نص صریح قانون اساسی ممنوع است.

در واقع قانون اساسی پا را از نسل کنونی و ساکنان فعلی ایران فراتر گذاشته و محیط زیست این خاک را متعلق به افراد کنونی و نسل های بعدی که در آینده ای دور یا نزدیک در آن سکنی خواهند گزید نیز دانسته است و مفهوم توسعه پایدار که از مفاهیم مهم و مرتبط با محیط زیست است را دور از نظر نداشته است. مفهوم توسعه پایدار در مباحث محیط زیستی

«دلالت بر توسعه ای دارد که نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل های حاضر و آینده را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده در برآورده کردن نیازهایشان تأمین کند.» (رمضانی قوام آبادی، شفیق فر، ۱۳۹۵، ۲۵۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد که علاوه بر حفظ محیط زیست برای نسل فعلی (انصاف درون نسلی)، دولت، مردم و همه ساکنان این سرزمین ملزم به حفظ و نگهداری از آن برای نسل های بعدی نیز هستند (انصاف بین نسلی) در واقع «یکی از نکات برجسته و مترقی تأکید شده در اصل پنجاهم قانون اساسی که با حق بر محیط زیست مرتبط است، توجه به حقوق نسل ها، انصاف بین نسلی و انصاف درون نسلی است، حیات اجتماعی رو به رشد، ارتباط مستقیمی با امر حفاظت از محیط زیست دارد و این مساله صرفاً متعلق به نسل حاضر نبوده، متوجه همه نسل ها است.» (مشهدی، ۱۳۹۳، ۵۶۳) چرا که حق بر محیط زیست «با پیش نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد.» (مولایی، ۱۳۸۶، ۲۷۵) و استفاده از آن فقط مختص شهروندان فعلی نیست بلکه نسل های بعدی نیز باید از آن متمتع شوند و «حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق بهره مندی از توسعه که تحقق همزمان آنها مستلزم توسعه پایدار است یکی از جلوه های حیثیت و کرامت انسانی تلقی می گردد که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل های آینده می باشد.» (افتخار جهرمی، ۱۳۸۸، ۱۵) پس بر اساس اصل پنجاهم نه تنها دولت جمهوری اسلامی بلکه همه مردم دارای وظیفه عمومی برای حفظ محیط زیست هستند و نباید فعالیت اقتصادی مخرب و تأثیر گذار بر محیط زیست داشته باشند و استفاده و بهره برداری از آن توسط همه اقشار جامعه باید به حفظ و پایداری آن نیز همراه باشد.

در مقدمه منشور اساسی محیط زیست فرانسه نیز به اهمیت رابطه انسان و طبیعت پیرامون او و پیوند ناگسستنی این دو اشاره شده است^۱ و از محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت یاد نموده^۲ که باید از آن به سان سایر حقوق بنیادین ملت حفاظت نمود^۳ که در این مقدمه به مفهوم توسعه پایدار نیز اشاره شده است و در کنار استفاده نسل کنونی از محیط زیست (انصاف درون نسلی) به لزوم حفظ آن برای نسل های آینده نیز اشاره نموده است (انصاف بین نسلی) و در متن مقدمه می خوانیم که (در جهت تضمین توسعه پایدار گزینه هایی که برای پاسخ به نیازهای حال در نظر گرفته شده اند نباید توان نسل های آینده و دیگر ملل برای تأمین نیازهای خودشان را با چالش روبرو کنند.) این مقدمه به خوبی مفاهیم حق توسعه و حق بر محیط زیست آیندگان را بیان نموده است و ضمن محترم شمردن حق بر محیط زیست نسل حاضر، توجه خود را معطوف آیندگان نیز نموده است.

اما در کنار متن مقدمه منشور اساسی فرانسه در اصل ششم این منشور نیز مفهوم توسعه پایدار به خوبی بیان شده است و اشعار می دارد که (سیاست های عمومی باید توسعه پایدار را ترویج دهند. آنها باید میان حفاظت و ارزش گذاری محیط زیست، توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی آشتی برقرار نمایند.) این اصل به خوبی توسعه پایدار و توسعه اقتصادی را

^۱ ملت فرانسه، که معتقد است، که منابع و تعادل طبیعت پیدایش انسانیت را تحت تأثیر قرار داده است؛ که آتیه و وجود ذات انسانیت از قلمرو طبیعی آن غیرقابل تجزیه می باشند؛

^۲ محیط زیست میراث مشترک انسانها می باشد

^۳ محافظت از محیط زیست باید بسان دیگر منافع بنیادین ملت مورد حمایت قرار بگیرد.

در کنار هم پذیرفته است. حق بر محیط زیست مردمان را به رسمیت شناخته و در کنار آن بر لزوم توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی تاکید نموده است و دولت فرانسه را مسئول سیاست گذاری برای تحقق این سه مهم در یک ظرف زمانی و مکانی نموده است.

اصل هفتم این منشور نیز حق دسترسی آزادانه به اطلاعات زیست محیطی گوناگون را از حق های بنیادین شهروندان می داند. این منشور علاوه بر شناسایی حق بر داشتن محیط زیست سالم و مناسب برای شهروندان آنان را مکلف به جبران خسارات وارده از ناحیه عملکرد خویش به محیط زیست نیز نموده است و دولت را در این زمینه از دو منظر مسئول و مکلف به رعایت اصول زیست محیطی نموده است. اول آنکه دولت فرانسه برای جلوگیری از ایجاد خطرات زیست محیطی مکلف به نظارت بر اجرای روش های ارزیابی خطرات و تصویب راهکارها می باشد و دودیکر آنکه باید سیاست های توسعه پایدار را ترویج دهد.

۴- درآمد :

حقوق بشر و مصادیق آن از جمله حق بر محیط زیست تقریباً روانه تمامی قوانین اساسی شده است و به صورت پردازی رابطه بین انسان و محیط طبیعی جغرافیایی او پرداخته است. حق بر محیط زیست که در واقع حق بر داشتن یک محیط سالم و پاکیزه برای حیات انبای بشری است امروزه اهمیت زیادی یافته و به عنوان یک حق بشری جلوه نموده است. هر جا که سخن از حق بر محیط زیست به میان می آید چگونگی بهره مندی از این حق رخ می نمایاند و این پرسش مطرح می گردد که آیا محیط زیست و حق بهره مندی از آن مخصوص انسان های این عصر است یا به آیندگان نیز تعلق دارد؟ در مباحث مربوط به مبانی حقوق محیط زیست نقش انسان در مواجهه با محیط زیست در پرتو آموزه های دینی، حفظ و نگه داری و به امانت داشتن محیط زیست و منابع موجود در آن است. در ادیان مختلف از جمله اسلام انسان مالک زمین نیست که بخواهد دل به خواه و هر طور که باب میلش بود از آن بهره مند شود بلکه زمین امانتی است در دست انسان برای استفاده معقول و منطقی و در حد نیاز و امانتی است که باید محافظ آن بود تا آن را به نسل های آتی بسپارد و مسئولیت انسان در رابطه با محیط زیست امانت محور است و او امین در نگه داری و حفظ این محیط است. در اصل پنجاهم قانون اساسی ایران این مفهوم به خوبی پذیرفته شده است و جهان هستی امانتی در دست انسان است که باید علاوه بر استفاده معقول و درست از آن، نیاز نسل های بعدی را نیز مورد نظر داشته باشد. البته با عطف توجه به اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بسیاری از اجزای محیط زیست را در اختیار دولت و حکومت اسلامی قرار داده است، این امانت داری از طرف دولت و حکومت اسلامی جلوه ای پر رنگ تر به خود می گیرد و به تحقیق با دامنه اختیارات وسیع حکومت اسلامی، وظیفه دولت در حفاظت از محیط زیست بیشتر از شهروندان است و باید علاوه بر ایجاد بسترهای مناسب حفاظتی از محیط زیست، ابتکار عمل برای نگه داری از آن برای نسل های آینده را نیز داشته باشد. علاوه بر این موارد در قانون اساسی ایران مفهوم حق توسعه و نیاز جوامع به آن و همچنین مفهوم توسعه پایدار به معنای امکان بهره مندی نسل حاضر از منابع زیست محیطی به گونه ای که مستلزم حفاظت و پایداری آن برای آیندگان نیز باشد به صراحت پذیرفته شده است هرچند حق بر محیط زیست در این قانون به طور صریح بیان نشده است

اما حفاظت و نگه داری و بهره مندی همراه با حفظ و پایداری آن از ارکان رویکرد قانون گذار اساسی به محیط زیست است.

در منشور اساسی محیط زیست فرانسه نیز حق بر محیط زیست و بهره مندی از آن و حق بر توسعه اقتصادی و اجتماعی مردمان آن دیار و حق بهره مندی نسل های آینده از این منابع به صراحت در مقدمه و اصول آن پذیرفته شده است و همچنین سیاست های حکومت فرانسه بر اساس این قانون و به ویژه اصل ششم آن باید مبتنی بر توسعه پایدار، توسعه اقتصادی و اجتماعی و حفاظت از محیط زیست باشد که همگی نشان دهنده رویکرد قانون گذاران اساسی فرانسه بر شناسایی اهمیت چگونگی بهره برداری از محیط زیست و منابع طبیعی است. در نتیجه رویکرد هر دو قانون اساسی بر این اصل استوار است که استفاده از منابع طبیعی و محیط زیست محدود به قانون، پایداری محیط زیست و حفظ و نگه داری از آن برای نسل های بعدی است و این استفاده محدود و دارای سمت و سو است.

۵- منابع :

- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۸۸) حقوق بشر؛ محیط زیست و توسعه پایدار، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، صص ۲۴-۹
- حبیبی، محمد حسن (۱۳۸۲) حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، صص ۱۷۰-۱۳۱
- رئیسی، لیلا (۱۳۸۷) رابطه حفاظت از محیط زیست با صلح و توسعه پایدار، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۱۳۴-۱۰۹
- رضانی قوام آبادی، محمد حسین، شفیق فر، حسن (۱۳۹۵) توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم انداز نسل های آینده، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول، صص ۲۷۱-۲۴۱
- شهبازی، آرامش (۱۳۸۹) توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، سال بیست و هفتم، شماره ۴۲، صص ۱۳۹-۱۲۵
- شیلتون، دینا، کیس، الکساندر (۱۳۹۶) کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبداللهی، تهران، انتشارات خرسندی
- محمدی، مهرداد، حسینی، سید محمد (۱۳۹۶) واکاوی حق بشر بر محیط زیست، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، شماره دوازدهم، صص ۱۵۹-۱۲۷
- مشهدی، علی (۱۳۹۵) دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی، فصلنامه دولت پژوهی، سال ۲، شماره ۸، صص ۸۰-۵۹
- مشهدی، علی (۱۳۹۳) اساسی سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۵۸۰-۵۵۹

- مشهدی، علی، هداوند، مهدی (۱۳۹۵) اصول حقوق اداری در پرتو آرا دیوان عدالت اداری همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، سوئیس، آلمان، مصر، لبنان، انگلیس و آمریکا، تهران، انتشارات خرسندی
- مولایی، یوسف (۱۳۸۶) نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۲۹۶-۲۷۳

